

مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان آمل)

عهديه اسدپور، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه الزهراء، ایران*

علی انتظاری، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

کاظم احمدی اهنک، کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، ایران

چکیده

مشارکت اجتماعی از پدیده‌های اجتماعی مهم است که در پژوهش حاضر، عوامل مؤثر بر آن در شهرستان آمل بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. داده‌ها با بهره‌گیری از روش پیمایشی و فن پرسش‌نامه جمع‌آوری شده‌اند؛ بدین ترتیب که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، از ۳۸۶ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال شهرستان آمل، اطلاعات جمع‌آوری شده‌اند. نتایج آماری پژوهش نشان می‌دهند میانگین مشارکت اجتماعی جامعه آماری مطالعه شده در حد متوسط بوده است. میانگین مشارکت اجتماعی رسمی (با میانگین ۳/۹۱ از ۱۰) نشان‌دهنده میزان مشارکت متوسط روبه پایین بوده است و میانگین مشارکت اجتماعی غیررسمی در سطح متوسط روبه بالا ارزیابی شده است (میانگین ۵/۷۴ از ۱۰). مشارکت اجتماعی از نظر محل سکونت متفاوت و در روستا بیشتر از شهر بوده است؛ همچنین بین میزان مشارکت اجتماعی رسمی با متغیرهای ساخت قدرت اقناع‌گرا در خانواده، استفاده از رسانه‌های داخلی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و گرایش خانواده به مشارکت، رابطه معنادار و مثبت و بین متغیرهای ساخت قدرت استبدادگرا در خانواده و میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، رابطه معنادار و معکوس وجود داشته است. بین میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی با متغیرهای مدت اقامت در محل، گرایش خانواده به مشارکت، ساخت قدرت اقناع‌گرا در خانواده و میزان استفاده از رسانه‌های داخلی، رابطه معنادار و مثبت و با متغیر ساخت قدرت استبدادگرا در خانواده، رابطه معنادار و منفی وجود داشته است. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز مشخص می‌کند متغیرهای مستقل پژوهش، در تبیین میزان مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی سهم عمده‌ای داشته‌اند و مقدار تبیین به‌دست آمده به ترتیب برابر با ۲۱ و ۲۳/۹ درصد است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی، ساختار قدرت در خانواده، استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی، گرایش خانواده به مشارکت، شهرستان آمل

مقدمه و بیان مسأله

رسیدن به پیشرفت بدون وجود زندگی جمعی و داشتن همکاری با دیگر هم‌نوعان و به‌نوعی وجود فرایند تعاملی چندسویه میسر نخواهد بود؛ به بیان دیگر، با فرض وجود یک جامعه، برای رسیدن به توسعه باید یکی از شرایط مهم و اساسی آن، یعنی وجود مشارکت،^۱ فراهم شود.

مشارکت در فرهنگ لغت فارسی به معنای شرکت کردن و انبازی کردن است (معین، ذیل مدخل مشارکت) و در دایره‌المعارف علوم اجتماعی، به معنای داشتن سهمی در چیزی و سودبردن از آن یا شرکت کردن در گروهی و همکاری داشتن با آن است (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). مشارکت عاملی مبتنی بر شهروندی است و همه فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که در سطوح محلی تا ملی بر تصمیم‌گیری و تخصیص منابع تأثیر می‌گذارند. طوسی در تعریف مشارکت آورده است: «مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند» (طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴). واندرسمن و فلورین^۲ (۲۰۰۰) هم مشارکت را فرایندی می‌دانند که اعضا در تصمیم‌گیری در نهادها، برنامه‌ها و تأثیرات این تصمیم‌گیری شریک باشند. وجه مشترک همه ابعاد مشارکت مانند مشارکت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، داوطلبانه و ارادی بودن آن است.

اهمیت پدیده مذکور در ادبیات نظری مربوط به توسعه به‌وضوح دیده می‌شود؛ به طوری که کمتر نگاشته‌ای یافت می‌شود که از مشارکت مردمی بحثی به میان نیآورده باشد. میجلی (به‌نقل از یزدان‌پناه، ۱۳۸۷: ۱۳۵) مشارکت اجتماعی را ایجاد فرصت‌های قادرکردن همه اعضای جامعه برای همکاری فعالانه، نفوذ بر فرایند توسعه و سهیم شدن در منافع حاصل از توسعه تعریف می‌کند. بحث درباره اهمیت و ضرورت

مشارکت اجتماعی تا جایی پیش می‌رود که مشارکت را هم به‌منزله هدف و هم در نقش وسیله توسعه در نظر می‌گیرند (گای، ۱۳۷۱)؛ به نحوی که بدون مشارکت اجتماعی، توسعه امکان‌پذیر نیست و هر برنامه‌ای با حذف مشارکت درنهایت قادر نیست کاملاً موفق باشد؛ بنابراین مشارکت مردم، سنگ محک راه‌یافتن به توسعه هماهنگ یا یکپارچه به شمار می‌آید. علاوه بر اهمیت مشارکت اجتماعی در بحث توسعه جامعه (سطح کلان)، وجود داشتن یا نداشتن مشارکت اجتماعی، برای افراد (سطح خرد) نیز فایده‌ها یا مضراتی را به‌دنبال دارد؛ از جمله فواید آن عبارت‌اند از: افزایش ضریب تحمل و مدارای اجتماعی، بالارفتن کیفیت تصمیم‌های مشارکتی، پذیرش همگانی تصمیم‌ها و در نتیجه کارایی ساختارهای غیرمتمرکز و ایجاد و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، تعاون، رفتار خلاق و مبتکرانه؛ اما مشارکت نداشتن افراد در امور رسمی و غیررسمی زندگی سبب بروز نابرابری و بی‌عدالتی می‌شود.

شاید ضرورت وجود مشارکت اجتماعی در سطح خرد و کلان سبب شده است از چشم‌اندازهای نظری متفاوتی به موضوع مشارکت نگریسته شود و ابعاد گوناگون آن در نظر گرفته شود. در نوشتار حاضر، مشارکت از بعد اجتماعی بررسی شده است. با در نظر گرفتن نکات ذکرشده، مشارکت به‌منزله پدیده‌ای اجتماعی که هم ارزش غایی یا ذاتی^۳ و هم ارزش وسیله‌ای^۴ دارد، درخور بررسی و تأمل است و جایگاه برجسته‌ای به دست آورده است؛ زیرا هر برنامه‌ای برای رسیدن به مطلوب موردنظر و موفقیت‌آمیز بودن، به مشارکت و شرکت متقابل اعضای جامعه - چه زن، چه مرد و چه شهری و چه روستایی - نیاز دارد؛ موضوعی که در مطالعات مختلف تجربی نیز به دو شکل در نظر گرفته شده است: گروهی از پژوهشگران مشارکت اجتماعی را به‌صورت متغیر مستقل بررسی کرده‌اند و به عواقب و نتایج ناشی از عمل مشارکت اجتماعی مانند شادی و نشاط (پناهی و دهقانی، ۱۳۹۱) ارتقای

³ Intrinsic value

⁴ Instrumental value

¹ Participation

² Wandersman & Florin

با الگوهای تصمیم‌گیری - که تعیین‌کننده میزان قدرت شخص‌اند - اندازه‌گیری می‌شود؛ به عبارتی منظور از ساخت قدرت در خانواده، الگوهای ساخت‌یافته تصمیم‌گیری در خانواده است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۰). علاوه بر این گرایش خانواده به مشارکت نیز بر مشارکت افراد (فرزندان) در دوره بزرگسالی تأثیر می‌گذارد و به‌راستی والدین اولین معلمان مشارکت اجتماعی‌اند که پایه‌ها و شالوده‌های اصول مشارکت را در نظام خانوادگی به فرزندان خود می‌آموزند؛ البته در این میان نباید از نقش مؤثر رسانه‌های ارتباطی چشم‌پوشی کرد که در این مطالعه به این متغیر نیز توجه می‌شود.

دست‌یابی به شناختی دقیق از میزان مشارکت اجتماعی و عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر آن امری مهم و ضروری برای رسیدن به توسعه به‌ویژه توسعه پایدار به شمار می‌رود. بر این اساس، هدف این پژوهش مطالعه و بررسی میزان مشارکت اجتماعی افراد بالای ۱۸ سال است که در شهرستان آمل سکونت دارند و تأثیر عواملی چون ساختار قدرت در خانواده، گرایش خانواده به مشارکت اجتماعی و استفاده از رسانه‌های ارتباطی بر میزان مشارکت اجتماعی این افراد بررسی می‌شود؛ به عبارتی نوشتار حاضر درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱. میزان مشارکت اجتماعی تا چه حد است؟

۲. عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی کدام‌اند؟

پژوهشگران قصد دارند با یافتن پاسخی علمی و تجربی به این پرسش‌ها، راه‌های تقویت مشارکت اجتماعی را شناسایی کنند تا دورنمایی برای مسئولان و دست‌اندرکاران امر تصویر شود و براساس آن به‌طور دقیق و جامع برنامه‌ریزی کنند و در مسیر توسعه شهری و روستایی گام‌های ارزنده‌ای بردارند.

ادبیات تجربی پژوهش

وجود و حضور مشارکت در همه ابعاد آن به‌ویژه مشارکت اجتماعی یکی از امور ضروری زندگی اجتماعی است. پژوهشگران اجتماعی حوزه مسائل شهری و روستایی جامعه

سلامت (محمدی و ستاره‌فروزان، ۱۳۹۲) و بهبود کیفیت زندگی (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳) اشاره کرده‌اند.

گروهی دیگر مشارکت اجتماعی را متغیر وابسته در نظر گرفته‌اند و به نقش عوامل مؤثر در ایجاد و نوسان آن توجه کرده‌اند؛ برای مثال پناهی (۱۳۸۳ و ۱۳۸۱) با توجه به اینکه در جامعه ایران غلبه با مشارکت اجتماعی غیررسمی است، بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر مشارکت اجتماعی تأکید کرده است؛ ویژگی‌هایی مانند فعال‌گرایی، اعتماد اجتماعی، دلبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی، امید به آینده، سطح تحصیل، ارزش مشارکت و ارزش‌های فرامادی. متغیرهایی که در ادامه ذکر می‌شوند نیز از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر وابسته پژوهش مطرح شده‌اند: اعتماد اجتماعی (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸؛ سفیری و صادقی، ۱۳۸۸؛ نوابخش و همکاران، ۱۳۹۲)، اعتماد اجتماعی و رضایت شهروندان و سیاست‌های انگیزشی (حسین‌زاده و فدایی‌ده‌چشمه، ۱۳۹۱؛ نیازی، ۱۳۸۵)، احساس تعلق شهری، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، رضایت‌مندی از عملکرد مسئولان شهری، احقاق حقوق شهروندی، استفاده از رسانه‌های خارجی (مظلوم‌خراسانی و همکاران، ۱۳۹۱)، احساس تعلق اجتماعی، رضایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عضو شدن به‌صورت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی (مقدس‌جعفری و کریمی، ۱۳۹۲)، اعتماد و تعلق اجتماعی (اسداللهی و همکاران، ۱۳۹۲)، احساس تعلق شهروندی (باقری‌بنجار و رحیمی، ۱۳۹۱)، خاطره جمعی، انگیزه اقتصادی، اعتماد و رابطه اجتماعی (ادریسی و شجاعی، ۱۳۹۱)، نابرابری‌های جنسیتی (صدافتی‌فرد و سخامهر، ۱۳۹۲) و...

پژوهش‌های ذکر شده در مباحث مطرح‌شده نشان می‌دهند عوامل زیادی در افزایش مشارکت اجتماعی مؤثرند. تحلیل این پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زمینه‌ای زیادی بر متغیر تابع پژوهش حاضر (مشارکت اجتماعی) تأثیر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی تأثیرگذار، ساختار قدرت در خانواده است که

۱۳۸۷؛ شرف‌خانی، ۱۳۸۵ و).

با توجه به پیشینه ذکر شده هدف کلی و اصلی پژوهش حاضر این است که در مرحله اول میزان مشارکت اجتماعی در مناطق شهری و روستایی را اندازه‌گیری کند و در مرحله دوم تأثیر داشتن (و میزان تأثیر) یا تأثیر نداشتن متغیرهای اجتماعی همچون ساختار قدرت در خانواده، میزان استفاده از رسانه‌ها و گرایش خانواده به مشارکت بر مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهرستان آمل را شناسایی کند. این بررسی نسبت به پژوهش‌های انجام شده مزیت‌هایی را نیز در بر دارد. از جمله این مزیت‌ها جامعه آماری پژوهش حاضر است؛ زیرا تاکنون مطالعه‌ای در این زمینه در شهرستان آمل انجام نشده است؛ همچنین این مطالعه افراد ساکن در شهر و روستا را در نظر داشته است تا به مقایسه‌ای درباره تفاوت‌های مشارکت رسمی و غیررسمی در شهر و روستای آمل دست یابد. دست‌یابی به این مهم بدون داشتن دیدی نظری ممکن نخواهد بود که در قسمت بعدی مقاله بدان اشاره می‌شود.

ادبیات نظری

نقش مفاهیم و ارتباط بین آنها در هر دانش بسیار کلیدی و تعیین‌کننده است و علوم اجتماعی نیز از این امر مستثنی نیست. مشارکت اجتماعی از عناصر نظم اجتماعی است؛ نظمی که اعمال و کنش‌های اعضای جامعه را قاعده‌مند می‌کند. قبل از ورود به بحث باید گفت مشارکت علاوه بر بعد اجتماعی، ابعاد مختلفی مانند فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارد که دانشمندان مختلف درباره هر یک از ابعاد آن ایده‌هایی را مطرح کرده‌اند؛ برای مثال کسانی چون هانتینگتون و نلسون^۱ (۱۹۷۶)، هاگیو و همکاران^۲ (۱۹۹۸)، مک‌کلوسکی^۳ (۱۹۶۸)، میلبراث و کوئل^۴ (۱۹۷۷)، چیلکول^۵ (۱۹۸۱) و

ما نیز این مهم را درک کرده‌اند. شاهد این مدعا، پژوهش‌هایی است که با توجه به نظریه‌های مشارکت اجتماعی و شناخت مناطق شهری و روستایی ایران انجام شده است. دسته‌ای از این پژوهش‌ها به عواملی اشاره کرده‌اند که بر مشارکت اجتماعی مؤثرند؛ برای نمونه نتایج پژوهش‌های وحیدا و نیازی (۱۳۸۳)، ساروخانی و امیرپناهی (۱۳۸۵)، ساروخانی و دودمان (۱۳۸۹) و حسین پناهی و تاج‌الدین (۱۳۹۲)، ضمن اینکه بیانگر تأثیر مسلم ساختار قدرت در خانواده بر میزان نحوه مشارکت اجتماعی است، نشان می‌دهد هرچه ساختار قدرت در خانواده‌ای مشارکت‌جوتر باشد، میزان مشارکت نیز روند افزایشی خواهد داشت و برعکس.

متغیر دیگری که باید به آن اشاره کرد، متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی است که یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین متغیرهای مستقل در تحلیل رفتارها و عقاید افراد و موقعیت آنها در سلسله‌مراتب اجتماعی است (چنی، ۱۳۷۸: ۳). در برخی پژوهش‌ها نیز به تأثیر متغیرهای دموگرافیک بر مشارکت اجتماعی اشاره شده است؛ مانند وجود رابطه مثبت بین متغیر سن با مشارکت‌های رسمی در شوراهای محل، انجمن حمایت از بیماران و همکاری با هیئت‌های مذهبی (بی‌نام، ۱۳۸۲)، مشارکت در انجمن خانه و مدرسه در سنین ۶۴-۲۶، مشارکت رسمی در انجمن‌های خیریه (رجب‌زاده، ۱۳۸۲) و مشارکت‌های غیررسمی مانند شرکت در نماز جماعت، نماز جمعه، مجالس روضه و عزاداری، هیئت‌های مذهبی، عزاداری تاسوعا و عاشورا، دعای کمیل و رفتن به مساجد غیر از مراسم ترحیم در سنین ۴۹-۳۰ و ۵۰ سال به بالا (بی‌نام، ۱۳۸۲) و مشارکت اجتماعی (یزدان‌پناه، ۱۳۸۷؛ شرف‌خانی، ۱۳۸۵). درباره متغیر جنسیت نیز نتایج نشان می‌دهند جنس مرد با مشارکت رسمی به وسیله عضو شدن در نهادهای مدنی (مرجانی، ۱۳۸۳) و مشارکت‌های غیررسمی (بی‌نام، ۱۳۸۲) رابطه مثبت داشته است؛ همچنین در بیشتر پژوهش‌ها، متغیر تحصیلات با متغیر وابسته بررسی شده رابطه مثبت داشته است (مانند محسنی، ۱۳۷۴؛ رجب‌زاده، ۱۳۸۲؛ یزدان‌پناه،

¹ Huntington & Nelson

² Hogue et al.

³ Macclosky

⁴ Milprath & Goed

⁵ Chillcotle

اسکاف^۱ (1975) به مشارکت از منظر سیاسی نگریسته‌اند.

پیوند یا مشارکت میان اعضای جامعه سبب توسعه آن می‌شود. براساس نظریه‌های موجود، پیوند بیانگر پیوندهای عینی بین افراد یا ارتباطات آنها با یکدیگر است. پیوندهای بین افراد به دو صورت است: ۱- افراد قادرند به شیوه‌ای غیررسمی با دوستی‌ها و انواع پیوندهای شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط باشند؛ به بیان دیگر، هر فردی شبکه اجتماعی دارد که این شبکه ممکن است شامل انواع رابطه نظیر دوستی یا پیوندهای عاطفی، نزدیکی در فضا مانند همسایگی یا مجاورت مکانی در اداره، روابط خویشاوندی و مانند آن باشد؛ ۲- نوع دوم پیوند و مشارکت به شیوه‌ای رسمی است که فرد با عضو شدن رسمی در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه با دیگران در ارتباط باشد که برخی به آن مشارکت انجمنی نیز می‌گویند. پیوندهای رسمی و شبکه‌های غیررسمی برحسب پیوند یا مشارکت بین افراد تعریف می‌شوند؛ ولی ادامه حیات پیوندهای رسمی فراتر از شبکه اجتماعی درونی است. گیلن و همکارانش^۲ (2011: 334) بر این عقیده‌اند که مشارکت غیررسمی به تعداد تعامل‌های فرد با خویشاوندان، دوستان و همکارانش در محیط غیررسمی برمی‌گردد؛ در حالی که مشارکت رسمی یا انجمنی به تعداد تعامل‌هایی نسبت داده می‌شود که پیامد برخورد با سازمان‌ها در جامعه است.

حال باید دید نظریه‌های موجود در حوزه علوم اجتماعی چگونه به پرسش اصلی پژوهش یعنی «عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی در دو بعد رسمی و غیررسمی» پاسخ می‌دهند. در بسیاری پژوهش‌های اجتماعی بر نقش و تأثیر خانواده بر رفتارهای آینده فرد (فرزند) تأکید فراوانی شده است؛ درواقع، اعضای اجتماع انسانی پیش از ورود به اجتماع در نهاد خانواده حضور دارند و به تدریج دوران رشد و نمو خود را سپری می‌کنند؛ بنابراین این فرض مطرح می‌شود که خانواده در نقش نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی بر شخصیت افراد (فرزندان) در بزرگسالی تأثیر می‌گذارد.

نظریه پردازان حوزه جامعه‌شناسی خانواده نیز با تأیید این مطلب، معتقدند اولین نهاد اجتماعی که مسئولیت درونی یا نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارها را بر عهده دارد، نهاد خانواده است. اینگلهارت با مطرح کردن تفاوت در باورها و گرایش‌های ذهنی شهروندان، معتقد است «این تفاوت‌ها بازتاب اختلاف در تجربه اجتماعی شدن شخص است» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۹). تالکوت پارسونز بر این باور است که باید اثر نظام فرهنگی غالب را بررسی کرد؛ در نظریه پارسونز این نظام دربردارنده بالاترین سطح اطلاعات است و در ساختن شخصیت افراد از طریق فرایند اجتماعی کردن در خانواده، مدرسه و... نقش ایفا می‌کند (به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۴۴-۱۳۱)؛ درواقع باید به این پرسش پاسخ داد: آیا در فرهنگ غالب و خرده‌فرهنگ خانواده، ارزش‌های مناسب برای مشارکت اجتماعی به افراد منتقل می‌شود یا خیر؟ به عبارتی خانواده افراد گرایشی به مشارکت دارند یا خیر؟ برای مثال، شخصیت افراد خاص گراست یا عام‌گرا؟ آیا افراد باهم همسو هستند یا خیر؟ براساس دیدگاه پارسونز هرچه عام‌گرایی و همسویی در فرهنگ و شخصیت مردم بیشتر باشد، باید انتظار مشارکت اجتماعی بیشتری داشت؛ همچنین از نظر روشه (۱۳۶۹) و گیدنز (۱۳۷۶) شکل ارتباطات والدین به منزله الگوی مشخص بر روند شکل‌گیری شخصیت فرزندان عمل می‌کند و جهت‌دهنده جامعه‌پذیری آنان است. طی فرایند جامعه‌پذیری، هر اندازه ساختار خانواده جنبه استبدادی کمتری داشته و وجه مشارکتی در آن بیشتر باشد، تفکر افراد هماهنگی بیشتری با مشارکت‌پذیری خواهد داشت. بر این مبنا باید گفت افرادی که در اجتماع فعالیت دارند، با توجه به تربیت خانوادگی حضور متفاوتی در عرصه‌های مشارکتی نشان می‌دهند که این امر نشانگر جایگاه تأثیرگذار خانواده در این مقوله است.

نظریه‌های مختلفی وجود دارند که تبیین‌کننده ساختار قدرت در خانواده‌اند و به ما در این پژوهش کمک می‌کنند. با توجه به تعریف ساختار و در نظر گرفتن خانواده به منزله

¹ Scaff

² Guillen et al.

همسایه‌ها را از یکدیگر بیشتر می‌کند، تعداد دوستان را در همسایگی افزایش می‌دهد و مشارکت در رخدادهای محلی را تقویت می‌کند (Putnam, 1995: 68)؛ همچنین نتایج پژوهش بوم و همکاران^۲ (2000: 251) نشان داده است افرادی که از ۱۶ سالگی در شهر محل پژوهش اقامت داشته‌اند، میزان مشارکت‌های اجتماعی بالاتری داشته‌اند؛ همچنین پژوهشگرانی چون گرلیلی^۳ (1974: 140) و موریس و تیت^۴ (1990: 11) معتقدند متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد با شرایط و امکاناتی که فراهم می‌آورد، قادر است به صورت مستقیم و غیرمستقیم (در قالب آموزش) بر میزان مشارکت تأثیر بگذارد؛ بدین معنا که افراد در موقعیت‌های طبقاتی مختلف از آموزش‌های متفاوت بهره‌مند می‌شوند و با استفاده از این آموزش‌ها، مهارت‌های مشارکتی و انتظارات مشارکتی متفاوتی در گروه‌های طبقاتی مختلف ایجاد می‌شود؛ برای مثال گفته می‌شود که اینگونه مهارت‌ها و انتظارات مشارکتی در طبقات بالاتر بیشتر و در طبقات پایین کمتر است؛ بنابراین، برحسب تفاوت در میزان تحصیلات، شغل رییس خانواده و درآمد آن، میزان مشارکت اجتماعی نیز متفاوت است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش حاضر بدین قرارند:

- به نظر می‌رسد میان متغیرهای ساخت قدرت در خانواده (استبدادگرا یا اقتناع‌گرا)، گرایش خانواده به مشارکت و استفاده از رسانه با مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی، رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد میان متغیرهای دموگرافیک (سن پاسخگو، تحصیلات و ...) و مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی، رابطه وجود دارد.

ساخت^۱، ساخت قدرت در خانواده بدین معناست که توزیع قدرت در آن و میزان قدرت‌داشتن هریک از زوجین و فرزندان چگونه است و الگوی تصمیم‌گیری به چه صورت است. السون می‌نویسد: «وقتی سؤال می‌شود چه کسی اعمال قدرت می‌کند، این امر به طور اخص متوجه تصمیم‌گیری در خانواده است» (Olson, 1969: 547)؛ بنابراین با وجود ابهامات و اختلاف نظر درباره مفهوم قدرت در خانواده، بسیاری پژوهشگران «وجه تصمیم‌گیری» را به منزله مصداق و مفهوم قدرت در خانواده به کار می‌برند. نحوه و شیوه‌های تصمیم‌گیری در خانواده، در وجوه ترغیب، اجبار و فعال‌کردن تعهد افراد دیده می‌شود (لوکس، ۱۳۷۵: ۱۵۱)؛ در واقع تصمیم‌گیری در خانواده ممکن است هریک از وجوه ذکر شده را به خود گیرد؛ بدین معنی که براساس ترغیب و مجاب‌سازی یا بر مبنای اجبار و زور به مرحله اجرا درآید. بر این اساس است که تصمیم‌گیری در خانواده به دو دسته اقتدارگرایانه و اقتناع‌گرایانه تقسیم می‌شود. این روابط قدرت در تعاملات بین افراد خانواده را روابط دوسویه یا متقارن و یک‌سویه یا نامتقارن نیز نامیده‌اند (Tavormina & Beckman, 1978: 433).

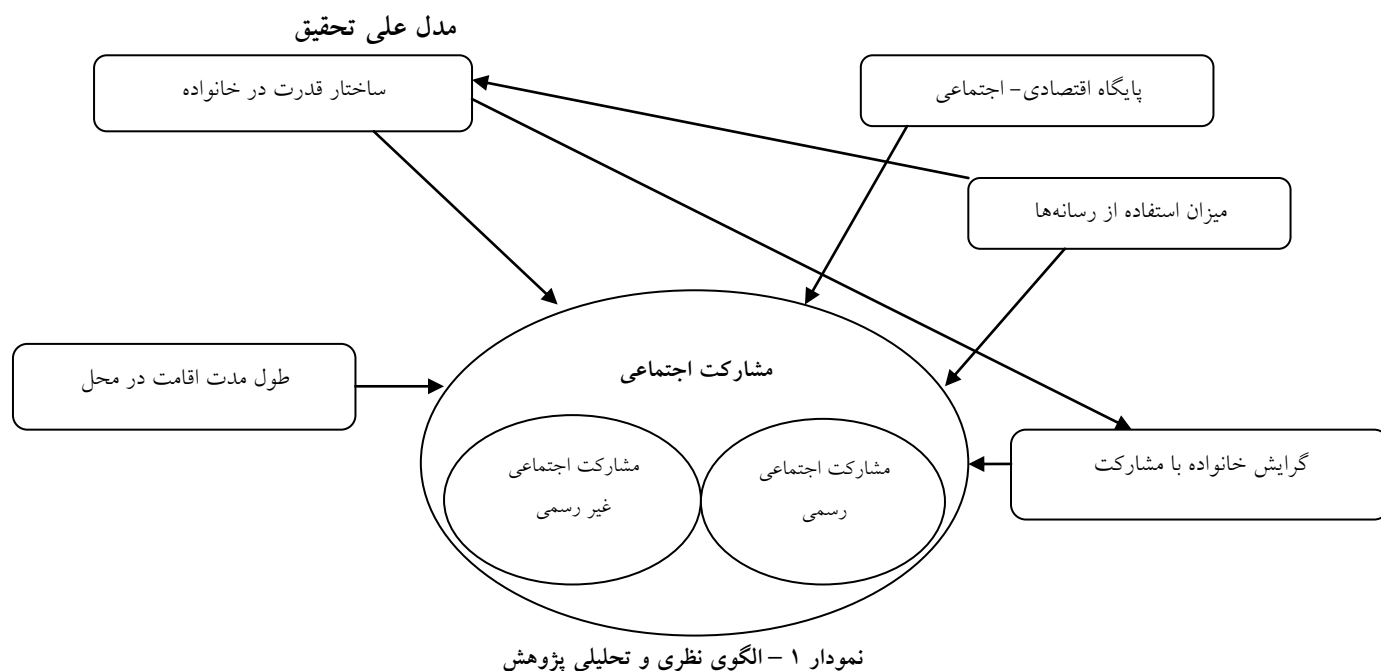
لرنر با مطالعه ۶ کشور خاورمیانه (مصر، لبنان، اردن، سوریه، ترکیه و ایران) و تنظیم چارچوب نظری خود درباره محور گذار از سنت به نوگرایی، بر این باور است که بین شهرنشینی، سواد و میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت رابطه وجود دارد؛ به نحوی که ابتدا شهرنشینی افزایش می‌یابد (مهارت‌های پیچیده و منابعی که ویژگی بارز اقتصاد صنعتی نوگرا هستند)، بعد از آن درون شهرها دو عامل سواد و دسترسی به رسانه‌ها گسترش پیدا می‌کند. نتیجه این تغییرات حرکت از جامعه سنتی به سوی جامعه مشارکتی یا مشارکت‌جو خواهد بود (Lerner, 1964: 57). پاتنام معتقد است اقامت طولانی در محل سکونت فعلی به منزله شاخصی از ثبات اجتماعی و نداشتن تحرک جغرافیایی، شناخت

² Baum et al.

³ Greeley

⁴ Mourice @ Tate

¹ به شبکه روابط اجتماعی یا رابطه نسبتاً ثابت عناصر و اجزای یک‌یک مجموعه، ساخت گفته می‌شود (Bates et al., 2003: 170).



روش‌شناسی پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر پیمایشی^۱ و از طرح پژوهش مقطعی^۲ است که در آن برای گردآوری داده‌ها از فن پرسش‌نامه استفاده شده است. براساس نتایج آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، جمعیت پژوهش حاضر را همه افراد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق شهری و روستایی شهرستان آمل - که برابر با ۲۸۱۴۵۷ است - تشکیل می‌دهد (www.sci.org.ir). برای انتخاب حجم نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. برای اجرای این روش در شهر، ابتدا از روی نقشه بلوک‌بندی شده از سوی شهرداری آمل، ۱۲ منطقه (خوشه) به صورت تصادفی انتخاب شد و از هر منطقه، چند منطقه به صورت تصادفی برگزیده شد؛ سپس از هر منطقه تعدادی بلوک به صورت تصادفی انتخاب شد و در نهایت تعدادی واحد مسکونی در هر بلوک انتخاب و سهم پرسش‌نامه‌های مناطق انتخابی تعیین شد. برای نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در روستا نیز ابتدا از میان

۱۱ دهستان شهرستان آمل، براساس تعدادی از شاخص‌های کالبدی و انسانی، چهار دهستان انتخاب شدند و در مرحله بعد از هر دهستان، ۲ روستا براساس حجم جمعیت در نظر گرفته شدند؛ سپس با توجه به حجم نمونه در هر یک از روستاهای منتخب اعضای نمونه مشخص شدند. حجم نمونه نیز با فرمول کوکران^۳ ۳۸۲ محاسبه شد (تعداد ۲۲۲ نمونه در شهر و ۱۶۰ نمونه در روستا) که در نهایت ۳۸۶ پرسش‌نامه تحلیل شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS از آماره‌های توصیفی و استنباطی (آزمون تی، تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه) استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسش‌نامه پژوهش از اعتبار صوری و مراجعه به متخصصان این حوزه استفاده شد.

همچنین در پژوهش پیش رو، برای دستیابی به پایایی پذیرفتنی، با استفاده از آماره آلفای کرونباخ، همسازگی گویه‌ها و سازگاری درونی پرسش‌نامه تأمین شد. جدول زیر نتایج تحلیل روایی متغیرهای پژوهش را در مرحله پیش‌آزمون

^۱ Survey

^۲ Cross-sectional

^۳ Cochran

(تعداد ۳۵ نمونه) و پس‌آزمون نشان می‌دهد.

جدول ۱ - نتایج آلفای کرونباخ برای متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها و مفاهیم اصلی	تعداد گویه	ضریب آلفای پیش‌آزمون	ضریب آلفای پس‌آزمون
میزان مشارکت رسمی	۱۰	۰/۹۲	۰/۹۳
میزان مشارکت غیررسمی	۱۰	۰/۹۱	۰/۹۲
میزان استفاده از رسانه‌ها	۶	۰/۶۴	۰/۶۴
گرایش خانواده به مشارکت	۴	۰/۸۱	۰/۹۳
قدرت تصمیم‌گیری در حوزه اقتصادی خانواده	۴	۰/۶۵	۰/۶۶
قدرت تصمیم‌گیری در حوزه اجتماعی خانواده	۳	۰/۶۲	۰/۶۱
ساختار قدرت اقتناع‌گرا در خانواده	۶	۰/۸۳	۰/۸۵
ساختار قدرت استبدادگرا در خانواده	۷	۰/۷۴	۰/۷۵

اسلامی شهر و روستا، گروه‌های علمی، تعاونی تولید روستا یا شهر و... در یک طیف شش‌گزینه‌ای استفاده شد. برای سنجش و عملیاتی کردن مشارکت اجتماعی غیررسمی از افراد درباره مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و خیریه نظیر شرکت در مراسم عزاداری و جشن‌های مذهبی در مسجد، شرکت در جلسات ختم قرآن، شرکت در فعالیت‌های کمک به همسایگان، کمک به مردم آسیب‌دیده، کمک به افراد برای ازدواج و تهیه جهیزیه، کمک به ساخت مسجد و اماکن مذهبی، پرداخت کمک و صدقه به افراد مستمند، شرکت در بهداشت محله و... در یک طیف شش‌گزینه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، تا حدودی، کم، خیلی کم و اصلاً) پرسیده شد. مشارکت اجتماعی کل نیز از ترکیب مشارکت رسمی و غیررسمی ساخته شد.

ب) متغیرهای مستقل

حوزه و ساختار قدرت در خانواده

حوزه قدرت تصمیم‌گیری در نظام خانواده به دو حوزه اقتصادی و اجتماعی تقسیم و ساخت قدرت در خانواده به دو صورت اقتناع‌گرایانه و استبدادگرا تعریف شده است. تصمیم‌گیری‌های اقتناع‌گرایانه به مشارکت و حضور فعال اعضا در فرایند تصمیم‌گیری اشاره دارد و تصمیم‌گیری‌های استبدادگرا به حاکمیت و محوریت یک فرد به‌منزله رییس یا ارشد در تصمیم‌گیری‌ها با کمترین توضیح و دلیل گرفتن از آنها دلالت می‌کند (Tavormina & Beckman-Brindley, 1978: 433).

برای سنجش مفهوم قدرت تصمیم‌گیری در حوزه‌های اقتصادی از ۴ گویه (عوض کردن منزل، خرید اتومبیل، هزینه‌های روزانه منزل یا مدیریت امور مالی خانواده، خرید فرش، یخچال تلویزیون و غیره) و حوزه اجتماعی از ۳ گویه (دیدوبازدید اقوام، معاشرت با همسایگان، گرفتن مهمانی در منزل) استفاده شده است؛ همچنین برای عملیاتی کردن مفهوم نامتقارن یا استبدادگرا بودن ساختار قدرت در خانواده، از ۷ گویه و مفهوم متقارن استفاده شد و برای عملیاتی کردن مفهوم

تعریف مفاهیم

الف) متغیر وابسته پژوهش (مشارکت اجتماعی)

مشارکت عبارت است از فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای که با استفاده از آنها اعضای جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند. (محسنی تیریزی، ۱۳۷۵: ۹۲). با توجه به این تعریف کلی و با بررسی تعاریف متعدد مشارکت اجتماعی، تعریف نظری ما از این مفهوم با الهام از تعریف هلی عبارت است از: مشارکت افراد در فعالیت گروه‌هایی خارج از خانواده مانند انجمن‌ها (Helly, 2001: 1). ربکا و همکارانش^۱ (2002) مشارکت اجتماعی را ترکیب دوبعدی رسمی (شرکت در انجمن‌ها) و غیررسمی نقش‌های اجتماعی می‌دانند. بر این اساس، برای سنجش مشارکت اجتماعی رسمی یا انجمنی، از وضعیت عضو شدن فرد در انجمن اولیا و مربیان، دوره‌های ورزشی، گروه‌های صنفی، گروه‌های ادبی و هنری، بسیج، شوراهای

¹ Rebecca et al.

سهم و گروه سنی ۵۰ به بالا با ۲۱ نفر (۶/۵ درصد) کمترین نسبت را داشتند. از نظر تحصیلات بیشترین میزان تحصیلات مربوط به مقطع کارشناسی (۳۵/۲ درصد) و کمترین میزان مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر (۷/۲ درصد) بوده است. میانگین سال‌های تحصیل پاسخگویان برابر ۱۳/۴۷ بوده است. از نظر وضع تأهل، داده‌ها نشان می‌دهند ۳۱/۹ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۸/۱ درصد متأهل‌اند؛ همچنین از مجموع ۳۸۶ نفر پاسخگو، ۵۹/۱ درصد (۲۲۸ نفر) متولد شهر و ۴۰/۹ درصد (۱۵۸ نفر) متولد روستا بوده‌اند. یافته‌ها در زمینه تحصیلات والدین نشان می‌دهند در سطوح تحصیلی زیر دیپلم درصد زن‌ها و در سطوح تحصیلی بالاتر از دیپلم درصد مردها بیشتر است. از نظر میزان هزینه خانواده به‌طور ماهیانه، از مجموع ۳۸۶ نفر پاسخ‌گو، بیشترین فراوانی پاسخ‌گویان معادل ۱۱۸ نفر (برابر با ۳۰/۶ درصد)، میزان هزینه ماهیانه خانواده‌شان را بین ۶۰۰-۴۰۰ هزار تومان اظهار کرده‌اند و میانگین هزینه خانوار پاسخگویان نیز ۶۷۹۳۰۰ تومان است. از نظر «مدت اقامت در محل سکونت» تنها ۸/۱ درصد پاسخگویان کمتر از ۵ سال و ۲۸/۱ درصد نیز از ۳۱ سال به بالا در محل سکونت خود سکنی گزیده‌اند.

اقتناع‌گرابودن ساختار قدرت در خانواده از ۶ گویه در قالب طیف لیکرت شش‌گزینه‌ای از اصلاً تا خیلی زیاد استفاده شد.

گرایش خانواده به مشارکت

این گرایش شامل میزان تمایل و علاقه خانواده به برقراری ارتباط با محیط بیرون از خانه و تمایل به برقراری روابط با دیگران می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۹۱). برای سنجش این مفهوم از ۴ گویه در قالب طیف لیکرت شش‌گزینه‌ای از اصلاً تا خیلی زیاد استفاده شد.

سواد

لرنر برای تعریف میزان سواد و تمیز بی‌سواد از باسواد این ملاک را برمی‌گزیند که شخص باسواد قادر به خواندن و نوشتن یک زبان باشد (Lerner, 1964: 76). برای سنجش آن تعداد سال‌های تحصیل فرد پرسیده شد.

یافته‌های پژوهش

توصیف اجمالی نمونه

نتایج توصیفی پژوهش نشان می‌دهند نسبت مردان در این پژوهش بیشتر از زنان است (۴۴ درصد از پاسخ‌گوها زن و ۵۶ درصد مرد). میانگین سن پاسخگویان ۳۳/۵۳ سال بوده است و گروه سنی ۲۹-۲۵، با ۹۴ نفر (۲۵ درصد) بیشترین

جدول ۲ - وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها برحسب متغیرهای مستقل پژوهش

متغیرها	تعداد پاسخ‌گویان	توزیع مقادیر			میانگین از ۱۰
		خیلی زیاد	گاهی اوقات	زیاد	
مشارکت اجتماعی	رسمی	۳۸۰	۲۶/۲	۳۷/۱	۳/۹۱
	غیررسمی	۳۸۴	۴/۹	۱۰/۴	۵/۷۴
ساخت قدرت در خانواده	اقتناع‌گرایانه	۳۸۳	۰/۵	۱/۳	۷/۴۵
	استبدادگرا	۳۷۹	۷	۲۳/۵	۵/۷۹
گرایش خانواده به مشارکت		۳۸۰	۰/۱	۱/۵	۵/۹۲

اقتناع‌گرایانه خانواده در حد روبه‌بالا و میزان ساخت قدرت استبدادگرا در حد متوسط روبه‌بالا بوده است. مقادیر مربوط به متغیر گرایش خانواده به مشارکت نیز به‌نحوی مثبت ارزیابی شده است؛ بدین معنا که میانگین ۵/۹۲ درصد پاسخ‌گویان (میانگین از ۱۰) گرایش خانواده به مشارکت را پذیرفتنی دانسته‌اند.

با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنف تک‌نمونه‌ای، نرمال بودن توزیع فراوانی تأیید شده است و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های پارامتریک استفاده شده است. در جدول ۳ نتایج این آزمون برای متغیرهای اصلی پژوهش گزارش شده است.

براساس اطلاعات جدول ۲ باید گفت مشارکت اجتماعی رسمی با میانگین ۳/۹۱ از ۱۰ بیانگر میزان مشارکت متوسط روبه‌پایین است؛ به طوری که تنها ۰/۳ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند خیلی‌زیاد مشارکت اجتماعی رسمی دارند و ۲/۲۶ درصد نیز اصلاً مشارکت رسمی ندارند؛ همچنین میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی، در سطح متوسط روبه‌بالا ارزیابی می‌شود (میانگین ۵/۷۴ از ۱۰). در مجموع میزان مشارکت اجتماعی کل بین پاسخ‌گویان در حد متوسط است (میانگین ۵/۰۴ از ۱۰). از میان ۳۸۳ نفر پاسخ‌گو، ۷/۴۵ درصدشان ساختار قدرت در خانواده خویش را اقتناع‌گرایانه و ۵/۷۹ درصد از آنها (از میان ۳۷۹ نفر پاسخ‌گو) آن را استبدادگرا ارزیابی کرده‌اند؛ بدین معنا که میزان ساخت قدرت

جدول ۳ - آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره کولموگروف - اسمیرنف	سطح معنی‌داری
مشارکت اجتماعی	۰/۷۲۴	۰/۶۷۱
استفاده از رسانه‌ها	۱/۳۰۱	۰/۰۶۹
ساختار قدرت در خانواده	۱/۰۰۸	۰/۲۶۲
گرایش خانواده به مشارکت	۱/۲۴۷	۰/۰۸۹
مدت اقامت در محل	۱/۰۹۷	۰/۲۲۶

یافته‌های استنباطی

جدول ۴ - خلاصه شاخص‌های آماری مقایسه میانگین مشارکت اجتماعی برحسب متغیرهای مستقل

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	مشارکت اجتماعی					
		رسمی			غیررسمی		
		میانگین	مقدار T	سطح معنی‌داری	میانگین	مقدار T	سطح معنی‌داری
محل سکونت	شهر	۱۶/۷۶	۲/۲۱۳	۰/۰۲۸	۲۵/۳۶	-۵/۱۰۷	۰/۰۰۰
	روستا	۱۴/۵۴			۳۰/۱۴		
وضعیت تأهل	مجرد	۱۵/۸۴	-۰/۲۸۹	۰/۷۷۳	۲۴/۴۲	-۳/۹۱۶	۰/۰۰۰
	متأهل	۱۶/۱۵			۲۸/۷		
جنسیت	مرد	۱۶/۶۱	۰/۲۰۱	۰/۰۲۸	۲۷/۰۵	-۰/۶۵۲	۰/۵۱۵
	زن	۱۴/۴۷			۲۷/۷۲		۴۳/۴۰

معنادار نیست ($\text{sig} = 0/773$)؛ اما میانگین بعد غیررسمی مشارکت اجتماعی بین متأهل‌ها ($28/7$) بیشتر از مجردها ($24/42$) و از نظر آماری نیز معنادار است ($\text{sig} = 0/000$)؛ همچنین میزان مشارکت اجتماعی کل بین مجردها و متأهل‌ها با سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. آزمون مقایسه میانگین برحسب جنسیت مشخص می‌کند میانگین مشارکت اجتماعی رسمی مردان ($16/61$) بیشتر از زنان ($14/47$) است؛ اما میانگین مشارکت اجتماعی غیررسمی و کل بین دو گروه مردان و زنان تفاوت چندانی ندارد؛ بنابراین مردان و زنان میانگین یکسانی در مشارکت اجتماعی غیررسمی و کل دارند.

براساس یافته‌های جدول ۴، میانگین میزان مشارکت اجتماعی در بعد رسمی آن، در شهر ($16/76$) بیشتر از روستا ($14/54$) بوده است و از نظر آماری نیز این تفاوت معنی دار است. میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی در روستا (معادل $25/36$) بیشتر از شهر ($30/14$) است؛ همچنین میزان مشارکت اجتماعی کل در شهر و روستا، تفاوت معناداری دارد و در روستا ($46/27$) بیشتر از شهر ($41/85$) است؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی و ابعاد آن برحسب محل سکونت تأیید می‌شود. میانگین میزان مشارکت اجتماعی رسمی بین مجردها و متأهل‌ها تفاوت چندانی ندارد و از لحاظ آماری این تفاوت

جدول ۵ - ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

متغیرهای مستقل	ساختار قدرت در استفاده از رسانه‌ها		سن	گرایش خانواده	تحصیلات	پایگاه اجتماعی - اقامت در محل	متغیر وابسته
	استبدادگرا	اقتناع‌گرا					
رسمی	۰/۲۷۳	۰/۴۵۱	۰/۱۹۷	۰/۱۵۶	۰/۱۴۶	۰/۳۰۲	ضریب همبستگی
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری
غیررسمی	۰/۱۶۰	۰/۳۷۵	۰/۱۶۱	۰/۱۲۷	۰/۱۳۵	۰/۳۸۶	ضریب همبستگی
سطح معناداری	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری
کل	۰/۲۱۶	۰/۴۳۳	۰/۱۷۵	۰/۱۴۱	۰/۱۴۲	۰/۳۴۱	ضریب همبستگی
سطح معناداری	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	سطح معناداری

میزان مشارکت اجتماعی و ساختار قدرت در خانواده تأیید می‌شود.

نتایج ضریب همبستگی پیرسون میان متغیر وابسته پژوهش و میزان استفاده از رسانه‌ها نشان‌دهنده رابطه مثبت و مستقیم (برابر $0/142$) و معنادار ($\text{sig} = 0/004$) بین مشارکت اجتماعی کل با میزان استفاده از رسانه‌ها به طور کلی است. بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌های

همان طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، بین میزان مشارکت اجتماعی با خانواده‌ای که ساختار قدرتی مستبد دارد، رابطه معنادار و معکوس برقرار است؛ یعنی هرچه ساختار قدرت استبدادگرا در خانواده بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی فرد کاهش می‌یابد؛ اما این رابطه در خانواده‌ای که ساختار اقتناع‌گرا دارد، مثبت و مستقیم است؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر ارتباط میان

غیررسمی ارتباط منفی و معکوس (۰/۲۲۸-) وجود دارد؛ علاوه بر این هرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد بالاتر باشد، میزان مشارکت رسمی و کل برخلاف بعد غیررسمی مشارکت، حالت صعودی خواهد داشت و در نهایت هرچه مدت اقامت فرد در محل سکونتش بیشتر و طولانی‌تر باشد، میزان مشارکت اجتماعی‌اش هم در بعد رسمی و هم در بعد غیررسمی افزایش می‌یابد.

عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی با استفاده از تحلیل رگرسیونی

خارجی یا برون‌مرزی رابطه معنادار وجود دارد؛ ولی رابطه مذکور به صورت منفی و معکوس است. درباره متغیر گرایش خانواده به مشارکت نیز هرچه گرایش خانواده‌ها به مشارکت بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی کل و ابعاد آن (رسمی و غیررسمی) بیشتر می‌شود.

همچنین براساس نتایج بین سن و میزان مشارکت اجتماعی رسمی رابطه منفی و معکوس (۰/۱۳۶-) و بعد غیررسمی مشارکت رابطه مستقیم و مثبت (۰/۱۹۰) وجود دارد. بین سطح تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی رسمی، رابطه معنادار مستقیم و مثبت (۰/۱۷۲) و مشارکت اجتماعی

جدول ۶ - خلاصه ویژگی‌های رگرسیون چندمتغیری

متغیر	ضرایب	R	R ²	R تعدیل یافته	انحراف استاندارد
مشارکت اجتماعی رسمی	۰/۴۵۹	۰/۲۱۰	۰/۱۸۹	۴/۵۱۰۵۲	
مشارکت اجتماعی غیررسمی	۰/۴۸۹	۰/۲۳۹	۰/۲۱۹	۳/۹۸۷۲۶	

جدول ۶-۱ - منابع تغییرات متغیر وابسته (تحلیل واریانس)

متغیر	ضرایب	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
رسمی	رگرسیون	۱۴۳۰/۴۳۹	۷	۲۰۴/۳۴۸	۱۰/۰۴۴	۰/۰۰۰
	باقی‌مانده	۵۳۷۱/۰۳۲	۳۴۸	۲۰/۳۴۵		
	کل	۶۸۰۱/۴۷۱	۳۵۵	---		
غیررسمی	رگرسیون	۱۳۲۰/۷۷۰	۷	۱۸۸/۶۸۱	۱۱/۸۶۸	۰/۰۰۰
	باقی‌مانده	۴۱۹۷/۱۳۸	۳۵۲	۱۵/۸۹۸		
	کل	۵۵۱۷/۹۰۸	۳۵۹	---		

مشارکت اجتماعی

مقدار باقی‌مانده (معادل ۷۹ درصد برای بعد رسمی و ۷۶/۱ درصد برای بعد غیررسمی) نیز به عوامل دیگری مربوط می‌شود که در پژوهش حاضر بررسی نشده است. براساس داده‌های جدول ۶-۱، میزان F بعد رسمی و غیررسمی مشارکت اجتماعی به ترتیب برابر با ۱۰/۰۴۴ و ۱۱/۸۶۸ است که نشان می‌دهد ضریب تعیین (R²) به لحاظ آماری به احتمال خطای کمتر از یک درصد معنادار است. حال به این پرسش پاسخ داده می‌شود که کدام یک از متغیرهای مستقل لحاظ‌شده در پژوهش حاضر، بر متغیر مستقل تأثیر گذاشته‌اند و کدام

با توجه به جدول‌های ۶ و ۶-۱، برای مشخص کردن تأثیر همه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش، یعنی مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی، از روش همزمان^۱ استفاده شد. براساس اطلاعات جدول ۶، مقدار ضریب تعیین برای بعد رسمی و غیررسمی مشارکت اجتماعی به ترتیب برابر با ۲۱ و ۲۳/۹ درصد است که این درصد، میزان تبیین واریانس و تغییرات میزان مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی را توسط مجموعه متغیرهای مستقل پژوهش نمایان می‌کند.

^۱ Enter Method

یک تأثیری نگذاشته‌اند. برای پاسخ‌گویی به این سؤال، از اطلاعات جدول (۲-۶) و (۳-۶) استفاده می‌شود.

بر اساس اطلاعات جدول ۲-۶، سطوح معناداری آزمون t نمایانگر تأثیرگذاری تمام متغیرهای مستقل (شامل ساخت انواع گرا یا استبدادگرای قدرت در خانواده، گرایش خانواده به مشارکت، میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و پایگاه اقتصادی

- اجتماعی) به جز متغیر مدت اقامت در محل، بر میزان مشارکت اجتماعی رسمی نمونه بررسی شده است. بیشترین میزان تأثیرگذاری، مربوط به متغیر میزان انواع گرا بودن ساختار قدرت در خانواده با ضریب بتای برابر ۰/۳۹۱ است.

جدول ۲-۶- رگرسیون خطی چندمتغیره متغیرهای مستقل با متغیر مشارکت اجتماعی رسمی

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد شده		مقدار t	سطح معناداری
	ضریب رگرسیونی (B)	خطای معیار (Std.Error)		
مقدار ثابت	۱۷/۴۹۶	۲/۶۹۷	۶/۴۸۶	۰/۰۰۰
انواع گرا بودن خانواده	۰/۴۳۴	۰/۰۶۴	۶/۷۵۴	۰/۰۰۰
استبدادگرا بودن خانواده	-۰/۴۶۰	۰/۱۸۳	-۲/۵۰۷	۰/۰۱۳
گرایش خانواده به مشارکت	۰/۲۶۷	۰/۱۲۴	۲/۱۵۰	۰/۰۱۹
میزان استفاده از رسانه‌های داخلی	۰/۰۹۸	۰/۰۳۱	۳/۱۲۳	۰/۰۰۲
میزان استفاده از رسانه‌های خارجی	-۰/۱۰۳	۰/۰۴۱	-۱/۸۱۳	۰/۰۴۷
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۰۴۰	۰/۰۲۵	۱/۶۱۰	۰/۰۳۲
مدت اقامت در محل	۰/۲۱۸	۰/۳۵۹	۰/۶۰۹	۰/۱۰۴

بر اساس اطلاعات جدول ۳-۶، سطوح معناداری آزمون t نشان‌دهنده تأثیرگذاری تمام متغیرهای مستقل (شامل ساخت انواع گرا یا استبدادگرای قدرت در خانواده، میزان استفاده از رسانه‌های داخلی، گرایش خانواده به مشارکت و مدت اقامت در محل) به جز متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان استفاده از رسانه‌های خارجی بر میزان مشارکت اجتماعی

غیررسمی نمونه بررسی شده است. بیشترین میزان تأثیرگذاری، مربوط به متغیر گرایش خانواده به مشارکت با ضریب بتای برابر ۰/۳۳۷ است. (اطلاعات جدول ۲-۶ و ۳-۶، میزان معناداری متغیرهای مستقل میزان مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی با ضرایب بتای هر یک را نشان می‌دهند).

جدول ۳-۶- رگرسیون خطی چندمتغیره متغیرهای مستقل با متغیر مشارکت اجتماعی غیررسمی

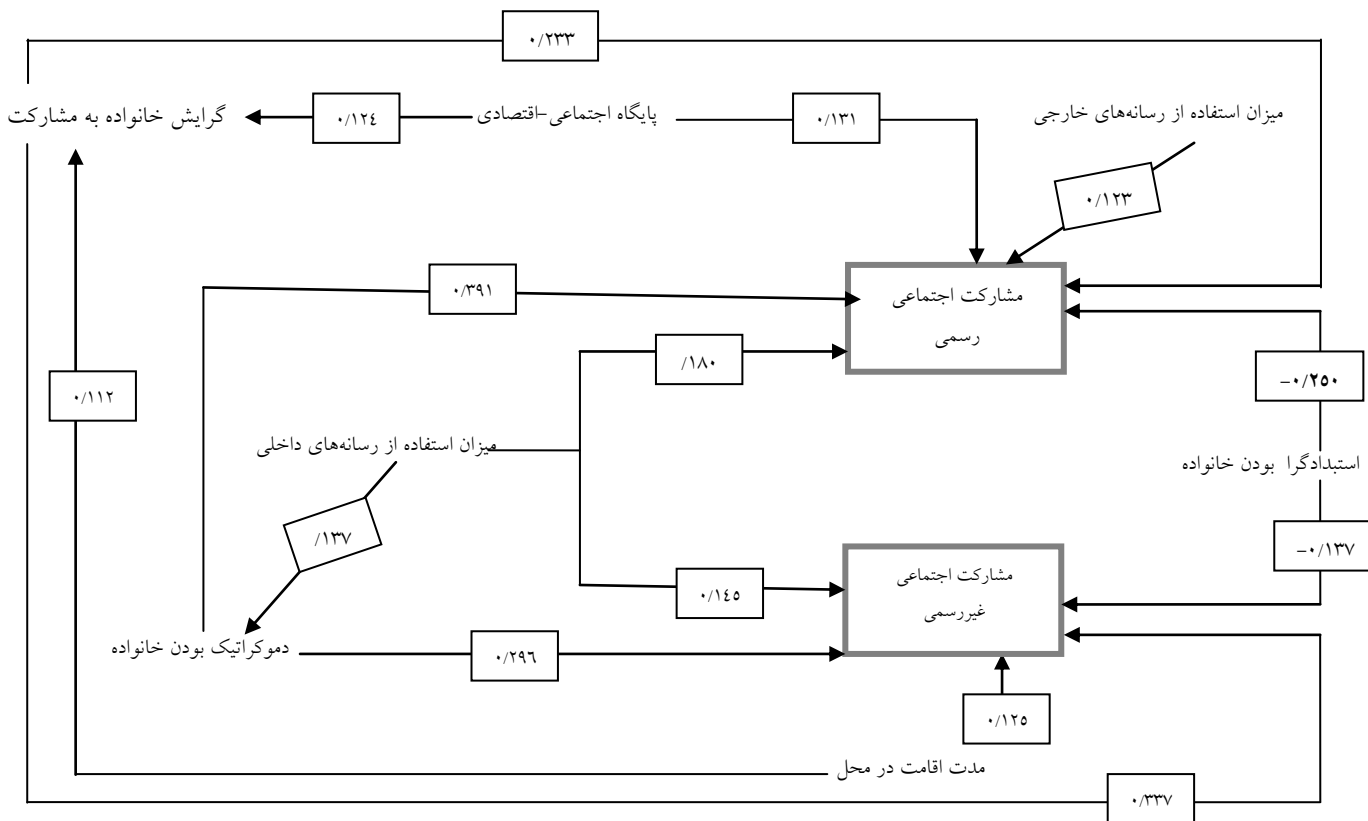
متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد شده		مقدار t	سطح معناداری
	ضریب رگرسیونی (B)	خطای معیار (Std.Error)		
مقدار ثابت	۱۲/۷۹۲	۲/۴۴۴	۵/۲۳۵	۰/۰۰۰
انواع گرا بودن خانواده	۰/۳۲۹	۰/۰۹۴	۳/۲۳۷	۰/۰۰۰
استبدادگرا بودن خانواده	-۰/۲۳۲	۰/۱۰۹	-۲/۱۴۰	۰/۰۳۳
گرایش خانواده به مشارکت	۰/۶۰۲	۰/۱۰۴	۵/۳۴۲	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌های داخلی	۰/۳۴۱	۰/۱۱۲	۳/۰۸۱	۰/۰۱۰
میزان استفاده از رسانه‌های خارجی	-۰/۰۳۱	۰/۰۲۲	-۱/۳۹۸	۰/۰۱۹
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	-۰/۰۹۲	۰/۰۳۱	۱/۴۰۴	۰/۱۱۴
مدت اقامت در محل	۰/۲۵۸	۰/۱۱۱	۲/۲۴۶	۰/۰۴۱

تحلیل مسیر

غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته طراحی شده

روش تحلیل مسیر، برای مطالعه تأثیرات مستقیم و

است.



نمودار ۲ - تحلیل مسیر

این تعدادی از متغیرهای مستقل بررسی شده در پژوهش با اثرگذاری غیرمستقیم بر یکدیگر با ضرایب بتای مشخص بر مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی تأثیر گذاشته‌اند که در الگو نشان داده شده است.

نتیجه

با توجه به هدف پژوهش حاضر و یافته‌های به‌دست‌آمده، میزان مشارکت اجتماعی کل میان پاسخ‌گویان در حد متوسط بوده است؛ اما میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی بیشتر از میزان مشارکت رسمی است. با توجه به بستر تاریخی جامعه ما ملاحظه می‌شود مشارکت‌ها و همکاری‌های سنتی (غیررسمی) از دیرباز میان عشایر، روستائین و شهرنشینان

همان طور که نمودار تحلیل مسیر نشان می‌دهد، اثر مستقیم متغیر استبدادگرا بودن بر بعد رسمی متغیر تابع، یعنی مشارکت اجتماعی، -0.250 درصد (اثر کاهنده)، گرایش خانواده به مشارکت برابر 0.233 درصد، اقناع‌گرا بودن 0.391 درصد، میزان استفاده از رسانه‌های خارجی -0.123 درصد (اثر کاهنده)، میزان استفاده از رسانه‌های داخلی برابر 0.180 درصد و پایگاه اقتصادی - اجتماعی برابر 0.131 درصد بوده است. اثر مستقیم متغیر استبدادگرا بودن بر بعد غیررسمی مشارکت اجتماعی -0.137 درصد (اثر کاهنده)، گرایش خانواده به مشارکت برابر 0.337 درصد، اقناع‌گرا بودن 0.296 درصد، میزان استفاده از رسانه‌های داخلی 0.145 درصد و مدت اقامت در محل برابر 0.125 درصد بوده است؛ علاوه بر

روستاها نسبت به شهرها مرتبط باشد. روستاییان مشارکت در امور غیررسمی را در دوران زندگی خود از بزرگ‌ترها می‌آموزند و به فرزندان خود نیز آموزش می‌دهند؛ اما شرکت در امور رسمی به آموزش و آگاهی نیاز دارد که این امکانات در شهرها بیشتر از روستاها فراهم است؛ بنابراین، آموزش و بالابردن سطح دانش، آگاهی و اطلاعات روستائینان در زمینه‌های مرتبط با مشارکت اجتماعی رسمی، نقش زیادی در بالابردن میزان مشارکت آنان در این بعد دارد.

نتایج پژوهش وحید و نیازی (۱۳۸۳)، ساروخانی و امیرپناهی (۱۳۸۵) و حسین‌پناهی و تاج‌الدین (۱۳۹۲) نشان دادند نحوه توزیع قدرت در خانواده بر مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این پژوهش نیز وجود این رابطه را تأیید می‌کند و ادعان می‌دارد که ساختار قدرت در خانواده بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت اجتماعی و ابعاد آن داشته است؛ به نحوی که ساختار اقتناع‌گرایانه نهاد خانواده سبب افزایش مشارکت می‌شود و ساختار استبدادی آن نتیجه معکوس را نشان می‌دهد.

همچنین نتایج نشان دادند میزان استفاده بیشتر از رسانه‌های داخلی، سبب افزایش مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی می‌شود؛ در حالی که استفاده از رسانه‌های خارجی نتیجه عکس را برای مشارکت اجتماعی رسمی در پی خواهد داشت. این نتیجه با نتایج پژوهش مظلوم‌خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) و مقدس‌جعفری و کریمی (۱۳۹۲) هم‌اهنگی دارد. همان گونه که در بخش نظری پژوهش مطرح شد، این موضوع که فرد چه مدت است در محل زندگی خود سکنی گزیده است، به‌منزله شاخصی از ثبات اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی افراد تأثیرگذار است. پاتنام (68: 1995) این مسئله را به‌خوبی در نظریه‌اش تشریح کرده است. پژوهش پیش رو نیز به وجود این رابطه پی برده و بر نظریه پاتنام پس از آزمون تجربی تأکید کرده است؛ به‌عبارتی، هرچه مدت اقامت در محل بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی افراد بیشتر خواهد بود.

در مراسم‌های مختلف عزاداری و عروسی و فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی وجود داشته است (برای مثال رک. فرهادی، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۰؛ پیگولوسکایا، ۱۳۶۷؛ کمپفر، ۱۳۶۳؛ مهدی‌زاده‌دهاقانی، ۱۳۷۳؛ محسنی‌تبریزی، ۱۳۶۹ و علوی‌تبار، ۱۳۷۹)؛ بنابراین، نتیجه دست‌آمده با بستر تاریخی و فرهنگی جامعه ما هم‌اهنگی دارد.

از نتایج دیگر این پژوهش بالابودن میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی در روستا و مشارکت اجتماعی رسمی در شهر است. شاید تصور اولیه این باشد که مشارکت اجتماعی مرتبط با شهر و شهرنشینی است و روستائینان کمتر این نوع از مشارکت را دارند. این تصور با پشتیبانی نظری مطالعات بسیاری که با عنوان نوسازی و توسعه انجام شده است، تقویت و تأیید می‌شود. بر این مبنا جوامع به دو نوع سنتی و نوگرا تقسیم می‌شوند و نتیجه مدرن‌تر شدن و دور شدن از بعد سنتی، گسترش اشکال جدید زندگی اجتماعی از جمله مشارکت اجتماعی است؛ بنابراین، شهرنشینی، صنعتی‌شدن و گسترش رسانه‌های جمعی سبب افزایش سطح مشارکت می‌شود و ساکنان مناطق شهری به‌دلیل بهره‌مندبودن بیشتر از جلوه‌های جدید زندگی، مشارکت اجتماعی بیشتری از خود بروز می‌دهند (برای نمونه نظریه‌های لرنر از این دست مطالعات‌اند)؛ اما نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که این نوع تحلیل‌ها شاید برای مشارکت اجتماعی در بعد رسمی آن پذیرفتنی و کارساز باشد و در پژوهش‌های تجربی از جمله این مطالعه نیز بر آن تأیید شده است؛ ولی در جامعه روستایی نوعی از مشارکت اجتماعی یعنی مشارکت غیررسمی مانند شرکت در مراسم عزاداری و جشن‌های مذهبی در مسجد، شرکت در جلسات ختم قرآن، شرکت در فعالیت‌های کمک به همسایگان، کمک به مردم آسیب‌زده، کمک به افراد هم‌محلی برای ازدواج و تهیه جهیزیه، کمک به ساخت مسجد و اماکن مذهبی، شرکت در بهداشت محل، دیدار افرادی که از سفرهای زیارتی آمده‌اند و... رواج دارد که این امر ممکن است با ریشه‌دارتر بودن مشارکت‌هایی از این دست در

شود. انتقال این ارزش‌ها از راه نهادهای اجتماعی مانند خانواده و رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد که در این پژوهش نیز بر تأثیرگذاری آنها بر مشارکت اجتماعی تأیید شد. نکته دیگر تأثیرگذاری منفی استفاده از رسانه‌های خارجی بر مشارکت اجتماعی رسمی است. احتمالاً یکی از دلایل چنین اثر معکوسی، نشر روحیه بی‌اعتمادی از سوی این نوع رسانه‌ها به مسائل جامعه همچون مشارکت است. باید افراد را از چنین تأثیر سوئی آگاه کرد؛ همچنین باید سیاست‌هایی در نظر گرفته شود تا مهاجرت‌های بی‌رویه و بی‌برنامه به مرحله وقوع نرسند؛ زیرا طول مدت اقامت در محل زندگی یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی غیررسمی افراد بوده است و با انجام مهاجرت و آشنایی نداشتن با محله و همسایگان و رفتن به محیطی جدید و نو بر میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی افراد - حتی به صورت کوتاه مدت - اثر می‌گذارد؛ همچنین باید در برنامه‌ریزی‌ها به تفاوت دو جنس زن و مرد در بعد مشارکت اجتماعی رسمی توجه شود تا قدم‌های توسعه با استحکام بیشتری برداشته شود.

منابع

- ادریسی، الف. و شجاعی، م. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی ساکنین در تحقق طرح‌های توسعه شهری، نمونه موردی: پیاده راه سازی حوزه تاریخی شهر تهران منطقه ۱۲»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱، ص ۱۵۸-۱۱۵.
- اسداللهی، ع؛ حسین‌زاده، ع؛ محسنی تبری، ع. و نبوی، ع. (۱۳۹۲). «سبک زندگی شهری و مشارکت اجتماعی شهروندان سالمند اهوازی؛ یک پیمایش منطقه‌ای»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۴، ش (۱) ۴۹، ص ۱۶-۱.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران: کویر.

برحسب متغیرهای دموگرافیک، افراد کم‌سن و سال مشارکت رسمی بیشتر و افراد با سن بالاتر مشارکت غیررسمی بالاتری داشته‌اند. نتیجه یادشده برعکس نتایج پژوهش‌های پژوهشگرانی مانند یزدان‌پناه، ۱۳۸۷ و مقدس جعفری و کریمی، ۱۳۹۲ است که در آنها متغیر سن با مشارکت در اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای، انجمن‌های اسلامی، احزاب و گروه‌های سیاسی و مشارکت‌های اجتماعی سیاسی رابطه نداشته است و در برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز با مشارکت‌های غیررسمی مانند روضه‌خوانی، نماز جماعت و پرداخت فطریه (محسنی، ۱۳۷۴)، مشارکت رسمی بسیج و انجمن اسلامی (رجب‌زاده، ۱۳۸۲) و انجمن‌های هنری و ادبی، ورزشی و تفریحی و پایگاه بسیج (بی‌نام، ۱۳۸۲) رابطه منفی داشته است.

با توجه به اینکه میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط ارزیابی شده است، این مسئله زنگ خطری برای مسئولان محسوب می‌شود که به این نکته توجه داشته باشند تا با به‌کاربردن راهکارهایی علمی و عملی از کاهش میزان مشارکت پیشگیری و جلوگیری کنند. برای ارائه راهکار، باید گفت در مسیر مشارکت باید موانع آن از جمله موانع اجرایی، ساختاری و فرهنگی برداشته شود. یکی از موانع فرهنگی وجود ساختار غیراقتناع‌گرا در سطح خانواده است که باید با آموزش صحیح و درست به صورت آهسته به سوی ساختار قدرت اقتناع‌گرایانه حرکت کرد.

از آنجا که ساختار توزیع قدرت در خانواده بر میزان مشارکت تأثیر بسزایی داشته است (به نحوی که ساختار اقتناع‌گرا در افزایش و ساخت مستبد در کاهش آن مؤثرند)، باید ارزش‌هایی در جامعه نهادینه شوند که بر توزیع ساخت قدرت در نهاد خانواده به شکل اقتناع‌گرا تأکید دارند؛ همچنین ارزش و اهمیت والای مشارکت اجتماعی در امور جامعه باید با روش‌های مستقیم و غیرمستقیم در افراد نهادینه و درونی سازی شود؛ به عبارتی افراد از دوران کودکی به نحوی جامعه‌پذیر شوند و روحیه مشارکت در آنها درونی و نهادینه

- باقری‌بنجار، ع. و رحیمی، م. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان (شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*، د ۲، ش ۵، ص ۱۷۰-۱۴۳.
- بیرو، آ. (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- بی‌نام. (۱۳۸۲). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- پناهی، م. (۱۳۸۱). «راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در عرصه فرهنگ»، *مجموعه مقالات گردهمایی دولت و مشارکت مردمی*، تهران: آن. ۱۸-۳۴.
- پناهی، م. (۱۳۸۳). «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، د ۱۱، ش ۲۶، ص ۱۰۷-۶۹.
- پناهی، م. و دهقانی، ح. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان با تأکید بر مشارکت اجتماعی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۳، ش (۳) ۴۷، ص ۱-۱۸.
- پیگولوسکایا، ن. (۱۳۶۷). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و سامانیان*، ترجمه: عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- چنی، د. (۱۳۷۸). *سبک زندگی*، ترجمه: علی‌رضا چاووشی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسین‌پناهی، م. و تاج‌الدین، م. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر ساختار خانواده (افئاع‌گرا) بر مشارکت اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور همدان)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، س ۳، ش ۹، ص ۷۴-۶۳.
- حسین‌زاده، ع. و فدایی‌ده‌چشمه، ح. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)»، *مطالعات جامعه‌شناسی شهری*، س ۲، ش ۵، ص ۸۲-۵۹.
- رجب‌زاده، الف. (۱۳۸۲). *رفتارهای فرهنگی ایرانیان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- روشه، گ. (۱۳۶۹). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: تبیان.
- ریترز، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- ساروخانی، ب. و امیرپناهی، م. (۱۳۸۵). «ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی»، *پژوهش زنان*، د ۴، ش ۳، ص ۶۰-۳۱.
- ساروخانی، ب. و دودمان، ل. (۱۳۸۹). «ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی در شهر شیراز»، *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، س ۱، ش ۱، ص ۱۲۹-۱۰۵.
- سفیری، خ. و صادقی، م. (۱۳۸۸). «مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۰، ش (۲) ۳۴، ص ۳۴-۱.
- شرف‌خانی، ج. (۱۳۸۵). *بررسی میزان مشارکت جوانان شهر ایلام در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- صداقتی‌فرد، م. و سخامهر، م. (۱۳۹۲). «تأثیر نابرابری‌های جنسیتی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، س ۴، ش ۱۰، ص ۴۳-۶۰.

- طوسی، م. (۱۳۷۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت، تهران: مرکز آموزش مدیریت.
- علوی تبار، ع. (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- علی پور، پ؛ زاهدی، م. و شیانی، م. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، د ۱۰، ش ۲، ص ۱۰۹-۱۳۵.
- علی زاده، ک؛ رضوی نژاد، م. و رادفر، م. (۱۳۹۳). «بررسی و نقش مشارکت مردم در اداره امور شهری»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، س ۱، ش ۱، ص ۸۷-۶۱.
- فرهادی، م. (۱۳۷۳). فرهنگ یارگیری در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فرهادی، م. (۱۳۸۰). «واره نوعی تعاون سنتی کهن و زنانه در ایران: درآمندی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی و معاونت ترویج و مشارکت مردمی».
- کمپفر، الف. (۱۳۶۳). سفر کمپفر به ایران، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- گای، د. (۱۳۷۱). «توسعه مشارکتی: چشم‌اندازهایی از تجربه‌های توده‌های روستایی»، ترجمه: عصمت قائم‌مقامی، مجله روستا و توسعه، ش ۴، ص ۶۸-۶۰.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لوکس، الف. (۱۳۷۵). قدرت نگرشی رادیکال، ترجمه: عماد افروغ، تهران: رسا.
- محسنی، م. (۱۳۷۴). نگرش‌ها و اعتماد: بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران، تهران: زهد.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۶۹). بررسی زمینه‌های مشارکت روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران: جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، طرح تدوین نظام ترویج ایران.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۵). «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت سیاسی - اجتماعی»، نامه پژوهش: فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱، ص ۸۹-۱۱۰.
- محمدی، ف. و ستاره فروزان، آ. (۱۳۹۲). «عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده مشارکت اجتماعی ساکنین منطقه دو تهران در ارتقای سلامت»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، س ۱۷، ش (۴) ۶۹، ص ۲۵-۳۱.
- مرادی، ع؛ اکبری، س؛ چراغی، ف. و فولادوند، خ. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر ساختار خانواده و حمایت اجتماعی در خودکشی دانشجویان»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۵، ش ۲۰، ص ۴۸۷-۵۰۲.
- مرجانی، ه. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌ها، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- مظلوم خراسانی، م؛ نوغانی، م. و خلیفه، م. (۱۳۹۱). «بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۳، ش (۱) ۴۵، ص ۵۰-۸۰.
- معین، م. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- مقدس جعفری، م. و کریمی، ر. (۱۳۹۲). «بررسی مشارکت اجتماعی جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر بم بعد از زلزله و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، س ۴، ش ۱۱، ص ۱۳۲-۱۱۱.
- مهدی‌زاده‌دهقانی، ن. (۱۳۷۳). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: دانشگاه علم و

- Huntington, S. P. & Nelson, J. (1976) *No Choice: Political Participation in Developing Countries*, Cambridge: Harvard University Press.
- Lerner, S. (1964) *The Passing Traditional Society*, New York: The McMillan com.
- Macclosky, R. (1968) *Political Participation, International Encyclopedia of Social Science*, New York: Macmillan Press.
- Milprath, L. & Goed, V. (1977) *Political Participation: How Why do People get Involved in Politics?* New York: University Press America.
- Mourice S. R. & Tate, B. (1990) "Selected Economic, Social and Demographic Variables as Related to Grade Point Average of Black Students in the Big Eight." *Dissertation Abstracts International*, 61: 11-23.
- Olson, D. H. (1969) "The Measurement of Family Power by Self-Report and Behavioral Methods." *Journal of Marriage and the Family*, 31: 545-550.
- Putnam, R. D. (1995) "Bowling Alone: Americas Declining Social Capital." *Journal of Democracy*, 6: 65-78.
- Rebecca, U. Deborah, C. Randolph, N. & Camille, W. (2002) "The Effect of Widowhood on Older Adults' Social Participation: An Evaluation of Activity, Disengagement, and Continuity Theories." *The Gerontologist*, 42(4): 522-533.
- Scaff, L. (1975) "Two Concepts of Political Participation." *The Western Political Quarterly*, 28(3): 331-352.
- Tavormina, J. B. & Beckman-Brindley, S. (1978) "Power Relationship in Families: A Social Exchange Perspective." *Family Process*, 17: 423-435.
- Wandersman, A. & Florin, P. (2000) "Citizen Participation and Community Organizations." In J. Rappaport & E. Seidman (Eds.), *Handbook of community psychology*, New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers. 247-272.
- www.sci.org.ir.
- صنعت.
- نوابخش، م.؛ رضایی، م. و رحیمی، م. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه موردی: شهر ایلام)»، *مطالعات جامعه‌شناسی شهری (مطالعات شهری)*، ۴، ش ۱۰، ص ۲۷-۱.
- نیازی، م. (۱۳۸۵). «تعیین وضعیت مشارکت اجتماعی شهروندان کاشان»، *فصلنامه کاشان‌شناخت*، ش ۲، ص ۱۴۷-۱۲۷.
- وحید، ف. و نیازی، م. (۱۳۸۳). «تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۳، ص ۱۴۵-۱۱۷.
- یزدان‌پناه، ل. (۱۳۸۷). *بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر تهران*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- Bates, A. Bader, C. Mencken, F. (2003) "Family Structure, Power-Control Theory and Deviance." *Western Criminology Review*, 4 (3): 170-190.
- Baum, F. Palmar, C. Modre, C. Murray, C. & Bush, R. (2000) "Families, Social Capital and Health." in I. Winter (Ed.) *Social Capital and Public Policy in Australia*, Australian Institute of family Studies, Melbourne: Australian Institute of Family Studies, 250-275.
- Chillcotle, R. H. (1981) *Theories of Comparative politics: The Search for a Paradigm*, Colorado: West Press.
- Greeley, A. (1974) "Political Participation among Ethnic Groups in the United States: A Preliminary Reconnaissance." *American Journal of Sociology*, 80(1): 170-204.
- Guillen, L. Coromina, L. & Saris, E. (2011) "Measurement of Social Participation and Its Place in Social Capital Theory." *Journal of Social Indicators Research*, 100: 331-350.
- Helly, D. (2001) "Voluntary and Social Participation by People of Immigrant Origin." Second National Metropolis Conference, Immigrant and Civic Participation: Contemporary Policy and Research Issues Montreal.
- Hogue, R. Harrop, M. & Breslin, S. (1998) *Comparative Government and Politics: an Introduction*, London: Macmillan Press LTD.

